

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: والنٲین کاتاسانوف*
برگردان از: ا. م. شیرى
۰۱ جنوری ۲۰۲۱

عیدانه‌ای در حد بضاعت به مناسبت سال نو میلادی به تمامی محروم شدگان از زندگی شایسته انسانی، به مبارزان جبهه اعتلای عزت و کرامت انسان و با امیدواری به غلبه بر توطئه دولت سایه!

توطئه آشکار

۲۴ دسمبر ۲۰۲۰ پرفسور والنٲین یوریویچ کاتاسانوف در شبکه رُی تی وی یوتیوب به سؤالات ولادیمیر خامیاکوف پاسخ داد. این برنامه به اجلاس آتی انجمن اقتصادی داووس اختصاص داشت. در این جلسه کلانوس شواب، بنیانگذار دائمی و رئیس انجمن، از کتاب تألیفی خود: "کووید-۱۹: بازسازی بزرگ" رونمایی خواهد کرد. آنچه را که اکنون روی می‌دهد، می‌توان "توطئه آشکار" نامید. عبارتی کاملاً عجیب، با مفاهیم متناقض. این موضوع درست یک هفته پیش از آن که کتاب "توطئه آشکار"، تألیف هربرت ولز انتشار یابد، مطرح شد. این کتاب در سال ۱۹۲۸ منتشر شد. من در مقدمه مختصری که به این کتاب نوشتم، از خود پرسیدم: "چرا هربرت ولز چنین عبارت عجیبی را انتخاب کرده است؟" احتمال دارد، نوعی رسوائی باشد؟ چنین شوخی از سوی مؤلف؟ اما اکنون، آنچه در سال ۲۰۲۰ روی می‌دهد، اتفاقاً، توطئه آشکار است. این توطئه‌ای بود که از جامعه جهانی مخفی نگه داشته می‌شد، اما زمان فرارسید و آنها به این نتیجه رسیدند که می‌توانند همه کارها را باز کنند و درست در این لحظه توطئه علنی شد.

بیش از ۹۰ سال گذشت، و در نهایت آنچه که ولز نوشت، محقق شد. در این کتاب "نوسازی بزرگ، تجدید ساختار بزرگ، قالب‌بندی مجدد"، نویسنده از این بحث می‌کند که مدل کنونی سرمایه‌داری فرسوده شده، قادر به ادامه حیات نیست. در این باره کارل مارکس از همان ابتداء گفته است و حالا غربی‌ها به طور جمعی در باره آن صحبت می‌کنند. گفته می‌شود سرمایه‌داری مدت زیادی دوام نخواهد آورد و باید به سرعت اصلاح شود. بتدارک برای انجام این اصلاحات از مدت‌ها پیش شروع شده بود. برای من دشوار است نقطه آغاز آن را که از کجا شروع شد، مشخص کنم. می‌توان خیلی به اعماق نرفت، اما می‌توان کتاب کلانوس شواب - "چهارمین انقلاب صنعتی" را یادآور شد. این کتاب در سال ۲۰۱۶ تألیف و انتشار یافت و در اجلاس سال ۲۰۱۷ انجمن اقتصادی داووس مورد بحث قرار گرفت. در آنجا ایده‌های جداگانه مطرح شد، این کتاب نوسازی بزرگ را پیش‌بینی می‌کرد. آنوقت‌ها نامیدن هر چیز به نام خودش

ممکن نبود. اما امروز ممکن است. برای این که، وقتی شیوع کووید-۱۹ آغاز شد، همان افرادی که همه این همه‌گیری اطلاعاتی-روانی را سازمان دادند، نمی‌دانستند نتیجه عملیات ویژه خودشان چگونه خواهد بود.

آنها به میلیارد ها انسان سیاره ما ماسک زدند و فهمیدند، که اکنون لحظه کنار زدن ماسک خودشان فرارسیده است. این، اتفاق افتاد و توطئه آشکار گردید. می‌توان در موضع افرادی قرار گرفت که هنوز بر حسب عادت در حال بحث در مورد کووید-۱۹ با استفاده از استدلال های پزشکی هستند. در این صورت، چرا در اواخر سده بیستم، زمانی که آنفلوآنزای خونی شیوع پیدا کرد، اینگونه همه‌گیری اعلام نکردند و همین ماسک را به میلیارد ها انسان نزدند؟ به خصوص این که، در آن سالها رقم مبتلایان، بیمار شدگان و متوفیان به مراتب بیشتر بود. چون که نخبگان پشت صحنه برای انجام چنین تجدید ساختار جهانی آماده نبودند؛ برای این که، این موقعیت ستراتیژیک را نداشتند و سران اکثر کشورها همراه نشدند تا مطیعانه تعظیم کنند و بلافاصله همگام شوند.

واضح است که پشت صحنه بیش از ده سال مشغول ساخت این سازه بود، اما اکنون به هیچ وجه حاضر نیست این محدودیت (قرنطینه) را لغو کند. کلائوس شواب در کتاب خود در این باره توضیح می‌دهد، که انجام چنین "تجدیدساختار" به سرعت ممکن نیست، بر این اساس، نباید محدودیت‌ها لغو شود، در غیر این صورت، اصلاح مجدد نظم جهانی ممکن نخواهد بود. این دیگر سرمایه‌داری نیست.

این، سرمایه‌داری فراگیر است. این کلمه اکنون رایج شده است. سرمایه‌داری جامع، یعنی سرمایه‌داری نوین. آن کهنه، واقعاً انحصاری و خاص بود. به عبارت دیگر، مردم از فرایند تولید حذف شدند (بیکاری)، مردم از ثروت‌های ملی محروم شدند، آنها را از زندگی اجتماعی حذف کردند، آنها را از جهان اخراج کردند. همه چیز در انحصار یک گروه سرمایه مالی بود. بنا براین، کلمه سرمایه‌داری انحصاری آنچه را که طی سالها و دهه‌ها در اروپا مشاهده کرده‌ایم، به خوبی توصیف می‌کند. اکنون آنها می‌خواهند ما را ۱۸۰ درجه بچرخانند.

فراگیر، یعنی جامع، در برگیرنده همه. این استدلال به این معنی است، که کمپانی‌ها باید از همه "مراقبت" کنند؛ کمپانی‌ها باید برای همه شغل فراهم نمایند؛ کمپانی‌ها باید قیمت‌ها را طوری تنظیم کنند که برای مصرف کننده قابل دسترس باشد و به طور کلی کمپانی‌های فعلی باید به طور بنیادی بازسازی شوند. برای این که آنها منافع سهامداران را تأمین می‌کنند. اما شرکت باید در خدمت عموم، اعم از کارکنان، مصرف کنندگان، پیمانکاران، مشتریان و دولت باشد.

در ضمن، در باره دولت. در رابطه با دولت شرکت‌ها باید به طور انحصاری فراگیر باشند، باید دولت را در بطن خود جای دهند. این، به معنای خصوصی‌سازی دولت است. آنها پا را بسیار فراتر گذاشتند. همان کلائوس شواب می‌گوید: "آری، من درک می‌کنم، که ۳۰۰ سال در دوره سرمایه‌داری به دنبال سود دویدیم. ما باید خودمان را بشکنیم. ما برای امتناع از سود باید شرکت‌ها را مجبور کنیم، متقاعد کنیم". این دقیقاً سرمایه‌داری نیست، اما آنها درک نمی‌کنند که قدرت بالاتر از سود است و آنها نمی‌خواهند از قدرت دست بردارند و این همه، برای تقویت قدرت است که آنها می‌خواهند همه این تنظیم مجدد جهانی را ترتیب دهند. ما یک عبارت بالدار درباره نابودی اتحاد شوروی داریم می‌گویند، که "نخبگان حزبی و دولتی اتحاد شوروی قدرت را به سرمایه تبدیل کردند". حالا اینها می‌خواهند سرمایه را به قدرت تبدیل کنند. قدرت، یعنی بالاترین ارزش، بالاترین هدف پشت صحنه جهانی، که باید تا ابد تضمین شود.

نکته اصلی این است، که ما در برابر کسانی که از قدرت خود به زیان ما استفاده می‌کنند، سر تعظیم فرود می‌آوریم و متأسفانه، مردم این واقعیت را بسختی درک می‌کنند. کتاب شواب و به طور کلی ایده‌های او به طور غیرمنتظره در برخی از کشورها طنین‌انداز شد. باریس جانسون، نخست وزیر انگلستان این ایده‌ها را درک نمود، جو بایدن، رئیس

جمهور منتخب امریکا گفت که با نظرات شواب موافق است، اما تردود، نخست وزیر کانادا را از همه فراتر گذاشت و به طرفداری از این ایده‌ها در برابر مخاطبان چند میلیونی با شور و شوق سخن گفت. اما با واکنش‌های شدید روبه‌رو شد.

مردم بشدت خشمگین شدند، مسأله به درجه بحرانی رسید. در عرض ۲ یا ۳ روز ۸۰ هزار نفر با امضای طومار، خواستار ممنوعیت تبلیغ ایده‌های شواب شدند. در کشور ما، در واقع سکوت به این دلیل برقرار نیست که ما در متن "بازسازی بزرگ" فعال نیستیم، بلکه، به این دلیل است که مردم ما یا آنچنان خلاق نیستند یا به هر دلیل دیگر... ولادیمیر پوتین کنفرانس مطبوعاتی برگزار نمود. این موضوع به طور کلی مورد بحث قرار نگرفت. هیچ یک از حاضران نپرسیدند، اما رئیس جمهور که ظاهراً ضامن استقلال روسیه است، می‌بایست این مسأله را مطرح می‌کرد... مسأله قیمت‌ها، نرخ ارز، خواربار مهم است، اما این پرده دود توجه ۹۰ درصد مخاطبان را از مسائل واقعاً حیاتی منحرف کرده است.

"پولیس رژیم فرانسه در مدت تقریباً دو سال نتوانستند جنبش "واسکت های زرد" را سرکوب نماید. اما دولت پشت صحنه، بی آن که به نیروی پولیس متوسل شود، براحتی این جنبش را متوقف نمود". (مترجم)

دنیای پشت صحنه عجله دارد و از هر چیزی، از کووید -۱۹ تا ملاقات پاپ رُم با لین فارستر دو روچلید در نیویورک به عنوان دستاویز استفاده می‌کند. پاپ رُم می‌گوید، انسانی کردن سرمایه‌داری لازم است. واقعیت این است، که پیروان او سر به میلیون‌ها نفر می‌زنند. به همین دلیل روچلیدها به منظور ایجاد چنان سازمانی، که بتواند به لحاظ نفوذ خود بر باشگاه بیلدربرگ پیشی بگیرد، با پاپ قرارداد می‌بندند. پاپ روم نیز برای آنها به مثابه یک عامل کمکی در این مسیر لازم است. گام مهم بعدی در ماه جنوری ۲۰۲۱ برداشته خواهد شد. برای این که کلائوس شواب صریحاً و عده کرده، که در اجلاس داووس خود آنها در باره این کتاب و به طور کلی، در باره شعار "داووس ۲۱-نوسازی بزرگ" بحث کنند. اما از آنجا که کووید -۱۹ وجود دارد، آنها تصمیم گرفتند آن را در قالب یک کنفرانس از راه دور برگزار نمایند و در ماه مه نیز به صورت ناپیوسته (آفلاین م.) در سنگاپور دیدار خواهند داشت. به گمانم تصمیم خیلی سختگیرانه خواهد بود. ما همراه با شما در ماه جنوری تصمیم آنها را مورد تحلیل و بررسی قرار خواهیم داد. آنها دیگر پنهان نخواهند شد.

* - پرفسور، دکتر علوم اقتصادی، مدیر مرکز مطالعات اقتصادی "شاراپوف" روسیه، پژوهشگر مسائل پشت صحنه

۱۱ دی - جدی ۱۳۹۹ - ۳۱ دسمبر ۲۰۲۰

منبع:

<http://www.sovross.ru/articles/2067/50484>